

## «سندی از کشف حجاب در نهاوند»

(سال ۱۳۱۴ شمسی)

از: حسین زرینی

کارشناس ارشد تاریخ

از دانشگاه شهید بهشتی تهران

اشاره:

معرفی و نقد و تحلیل اسناد تاریخی مربوط به شهرستان نهاوند از موضوعاتی است که فصل نامه در پی درج آن‌هاست. از این رو از صاحب‌نظران و معلمان درخواست کرده است عکس و سندهای معتبر و تاریخی خود را دربارهی نهاوند، همراه با تشریح و تحلیل آن‌ها ارسال دارند تا از طریق چاپ در «فرهنگان» مورد استفاده‌ی علاقه‌مندان قرارگیرد.

آن‌چه می‌خوانید تحلیلی تاریخی بر یک نامهی مربوط به سال ۱۳۱۴ شمسی است که فاقد نام نویسنده است. گزارش‌دهنده به عنوان «یک نفر از ملت نهاوند» نارضایتی خود و مردم همشهری را از تبعات کشف حجاب متعکس کرده است. اظهار نظر محتاطانه و بی‌نام نویسنده گویای حاکمیت عصر استبداد و خفقان رضاخانی است. وی با زیرکی «خوب اجرا نشدن کشف حجاب» را بهانه کرده است تا به نحوی این نارضایتی‌ها به گوش مقامات برسد و شاید این نوع تعبیر و لحن کلام موجب ماندگاری و ضبط این اعتراضیه در تاریخ شده است و اینک بعد از پنجاه و چندسال، خوانندگان از وجود چنین مکاتبه‌ای که برخاسته از احساس مسئولیت و ظلم ستیزی فردی از مردم شهرستان نهاوند است، اطلاع حاصل می‌کنند. ضمناً با ملاحظه‌ی تصویر سند به نظر می‌رسد محتوای نامه که غلط‌های املائی نیز داشته توسط وزارت داخله‌ی وقت بازنویسی و تحریر شده است.

این مقاله‌ی تحلیلی را آقای حسین زرینی به نگارش درآورده و همراه با تصویر سند برای فصل‌نامه ارسال کرده‌اند که بدین وسیله از ایشان سپاس‌گزاری می‌شود.

«فرهنگان»

کودتای اسفند ۱۲۹۹، رضاخان را در مسیری قرار داد که از مدت‌ها پیش آرزوی او را داشت و برای به دست آوردنش سختی‌ها به جان خریده بود. اینک که همای سعادت در قالب ژنرال آبرونساید انگلیسی بر سر وی سایه افکنده و او را به همراهی سیدضیاء الدین طباطبایی - روزنامه‌نگار ماجراجو - برای اجرای کودتای مزبور انتخاب کرده بود<sup>(۱)</sup>، خود را بیش‌تر و بهتر در مسیر قدرتی که به جان در آرزوی او بود احساس می‌کرد. وی پس از این که موفق می‌شود با نیروی اندک خود، که از قزوین به سمت تهران حرکت داده بود، پایتخت را با کم‌ترین زحمات فراچنگ آورد، بلافاصله ۵ روز پس از اجرای کودتا از شاه قاجار - احمدشاه - به «سردار سپه» ملقب می‌شود.

پس از این ماجرا، او در کابینه‌های سیدضیاء، که فقط صد روز طول کشید و سه کابینه پس از او که به ریاست قوام السلطنه، مشیرالدوله و مستوفی الممالک تشکیل شد، همواره «وزارت جنگ» را در اختیار داشت، سرانجام پس از چهار دوره وزارت در کابینه‌های مختلف، رضاخان موفق شد در آبان‌ماه ۱۳۰۲ با حفظ موقعیت، به مقام ریاست وزرایی برسد.

این دوره‌ی فرماندهی وی بر قشون کشور، موجب شد تا او علاوه بر سازماندهی نیروهای نظامی موجبات امنیت را در ایران آشفته آن‌روز فراهم نماید و پشتیبانی و حمایت نیروهای مسلح از خود را نیز داشته باشد. نیروهایی که مسلماً حمایت یا عدم حمایتشان از یک شخص می‌توانست کفه‌ی قدرت را به نفع یا ضرر او سبک و سنگین نماید.

رضاخان از همان اوان به قدرت رسیدن چه به عنوان «سردار سپه» و چه به عنوان «رئیس الوزرا» فقط به قبضه‌ی کامل قدرت در کشور به عنوان شاه ایران می‌اندیشید. به همین سبب او علاوه بر به دست آوردن حمایت نیروهای نظامی به جلب پشتیبانی نیروهای فعال سیاسی کشور نیز در حد امکان اقدام نمود.<sup>(۲)</sup> از این رو نمایندگان طرفدار وی در

۱ - سیروس غنی، برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه‌ی حسن کامشاد،

انتشارات نیلوفر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷

۲ - حسین مکی، تاریخ بیست ساله‌ی ایران، جلد سوم، کتاب‌فروشی علمی، تهران، ۱۳۲۵،

مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۳ با تصویب قانونی که ریاست کل قوای دفاعیه و تأمینیه مملکتی را مخصوص او می گردانید و فقط مجلس می توانست این عنوان را از او باز پس گیرد نه شاه، وی را مستقیماً به قدرتی نه در طول، بلکه در عرض شاه تبدیل نمودند.<sup>(۱)</sup> بعد از این، رضاخان که می دانست از جانب دوستانش در مجلس خطری وی را تهدید نمی کند و مخالفانش (مدرس، مصدق، تقی زاده و ...) نیز نمی توانند کار چندانی از پیش ببرند، تلاش همه جانبه ای را برای خلع قاجاریه از سلطنت به کار بست. او علاوه بر دیدار با افراد متنفذ و همراه کردن حتی المقدور آن ها به طرق مختلف با خود، افراد بسیاری را نیز در شهرستان ها مجبور نمود تا با ارسال تلگراف هایی مبنی بر خلع قاجاریه به مرکز، خواهان حکومت وی شوند. علاوه بر این عده ای نیز در مرکز به دستور او تحصن اختیار کرده و خواهان خلع قاجاریه از سلطنت می شوند.<sup>(۲)</sup>

سرانجام طرفند های رضاخان کارگر می افتد و مجلس شورای ملی در هفتم آبان ۱۳۰۴ با موضوع قراردادن تلگراف های رسیده از ولایات، خلع قاجاریه را در دستور کار خود قرار می دهد. پس از مدتی بحث بر سر این موضوع، که تنها چند مخالف جدی داشت، سرانجام در نهم آبان ۱۳۰۴ ماده واحده ای تغییر سلطنت با اکثریت ۸۰ رأی از بین ۸۵ نفر حاضرین در جلسه تصویب شد.<sup>(۳)</sup> در این جلسه بیست نفر نیز عمداً یا سهواً غائب بودند. به دنبال این جلسه رضاخان موقتاً تا تشکیل جلسه ای مجلس مؤسسان به عنوان شاه ایران زمام امور را در دست می گیرد و در آذر همان سال مجلس مؤسسان که به تازگی اعضایش از بین هواداران رضاخان انتخاب شده بودند با اکثریت ۲۵۷ رأی از ۲۶۰ رأی مجلس،

ص ۳۹۱

۱ - مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، جلد اول، Book Press، لندن، ۱۳۶۹ش،

ص ۱۸۶

۲ - حسین مکی، منبع پیشین، صص ۳۹۵-۳۹۰

۳ - حسین مکی، همان منبع، ص ۴۶۵

سلطنت پهلوی را بر ایران به رسمیت شناختند. رضاخان نیز در ۲۴ آذر ماه با حضور در مجلس شورای ملی به عنوان شاه جدید ایران سوگند یاد کرد. (۱)

\*\*\*

دوره حکم‌فرمایی رضاشاه پهلوی، در حافظه‌ی تاریخی مردم ایران، بلافاصله چند موضوع را تداعی می‌کند که یکی از آن‌ها «کشف حجاب» است. شاه پهلوی در کنار اقداماتی که به اصطلاح برای مدرنیزاسیون و در جرگه‌ی ملل متمدن در آوردن ایران به عمل آورد و این مقال اندک، محل پرداختن به آن‌ها نیست، به کشف حجاب از بانوان ایرانی نیز اقدام نمود تا به زعم خویش نیمی از جمعیت ایران را وارد اجتماع کند. حال آن‌که با عمل کرد غلط او و مأموران حکومتی‌اش، این گروه بیش از پیش از اجتماع‌گریزان شدند. چه اگر پیش‌تر زنان ایرانی با چادر و روبند دست‌کم برای خرید مایحتاج خانواده به بیرون از منزل می‌رفتند، اینک با اعمال سیاست جدید، به جز گروه اندکی که بیش‌تر مجبور بودند به خواست‌های حکومت تن در دهند، اکثریت زنان جامعه‌ی سستی ایران خود را در خانه‌ها محبوس کردند و از انجام این حداقل نیز سرباز زدند.

در مواردی چون رفتن به حمام‌های عمومی، که زنان مجبور بودند از منازل خود خارج شوند، الزاماً می‌بایست مردهای خانه به نگرهبانی از آنان پردازند تا مأموران دولتی آن‌ها را نبینند و مورد تعرض قرار ندهند. بدین ترتیب وظیفه‌ی جدیدی نیز به دوش مردان ایرانی محول شد که آن‌ها را بیش از سابق از انجام وظایفی که نیمه‌ی مذکر جمعیت ایران انجام می‌داد، باز می‌داشت.

اقداماتی که بعداً رضاشاه در طول دوره‌ی حکم‌فرمایی‌اش انجام داد (تغییر لباس روحانیون به جز در موارد خاص، منع سوگواری امام‌حسین (ع) در ماه محرم و...) نشانگر این واقعیت بود که وی مصمم است به هر نحوی شده، اسلام را از حیات ایرانیان دور سازد. چه او خود را وارث شاهنشاهی‌های ایران پیش از اسلام می‌دانست. برداشتن حجاب از زنان نیز - با آن‌که محجبه بودن زنان جزء دستورات مسلم مذهبی است - درست در

این خصوص می‌تواند تفسیر شود.

وی برای انجام این کار از همان سال‌های نخستین زمامداری‌اش شروع به زمینه‌سازی برای این امر کرد. هرچند کشف حجاب به صورتی که اجرا شد، بعد از بازدید وی از ترکیه در سال ۱۳۱۴ ش به ذهن وی آمد و بر انجام آن مصمم گردید. رضاشاه برای اجرای منظور فوق نخست از خود و اجزای رده بالای حکومت شروع کرد، تا الگویی برای عامه مردم شود. از این رو نمود آغازین بدحجابی را در نوروز سال ۱۳۰۶ ش می‌بینیم که همسر و دختران شاه برای تحویل سال به حرم مطهر حضرت معصومه (ص) در قم رفته بودند.

خانواده‌ی سلطنتی که در آن مکان مقدس به آن صورت در ملا عام ظاهر می‌شوند، مورد اعتراض مردم و روحانیون که این امر را بی‌حرمتی به حضرت معصومه (ص) تلقی می‌کردند، قرار می‌گیرند. به همین منظور ابتدا «سیدناظم واعظ» مردم را تهییج می‌کند که بر اساس امر به معروف و نهی از منکر باید جلوی آن‌ها ایستاد<sup>(۱)</sup> پس از آن «شیخ محمد تقی بافقی» که مباشر و کارگزار آیت‌الله حائری (بنیان‌گذار حوزه‌ی علمیه قم) بود «به نزد آن‌ها رفته و همسر شاه را مورد سرزنش قرار می‌دهد. همسر شاه که از این موضوع رنجیده خاطر گشته بود، موضوع را تلفنی به رضاشاه اطلاع می‌دهد و او نیز بلافاصله رهسپار قم شده، در حرم مطهر نخست چند طلبه را مورد ضرب و شتم قرار داده و بعد شیخ محمد تقی بافقی را به تازیانه بسته و روانه‌ی نظمیة تهران می‌نماید.»<sup>(۲)</sup>

پس از آن شاه پهلوی در سال ۱۳۰۷ قانون متحدالشکل نمودن البسه را برای مردان ایران به اجرا در می‌آورد. وقتی مردان با قانون فوق که اجرای کامل آن چندسال به طول انجامید به ظاهر متمدن شدند (!) طبیعی بود که نمی‌شد زنان آنان همچنان عقب‌مانده رها شوند! لذا تلاش برای تغییر لباس (کشف حجاب) آنان نیز چند برابر شد.

۱ - حسین ملکی، تاریخ بیست ساله‌ی ایران، جلد چهارم، نشرناشر، چاپ دوم تهران، ۱۳۶۲،

۲ - نعمت‌اله قاضی «شکیب»، علل سقوط رضاشاه، نشر آثار، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۲۹

در چند سالی که تا ۱۳۱۴ - سال اعلام رسمی کشف حجاب - مانده بود، مأموران رده بالای دولتی مجبور بودند که در مهمانی‌های ویژه‌ای که با هدفی خاص دنبال می‌شد، بانوان خود را بدون حجاب شرکت دهند تا زمینه برای اجرای این قانون، مساعد و اذهان ایرانیان با موضوع جدید آشنا شود. علاوه بر این در سال ۱۳۱۳ به مدارس دخترانه دستور داده شد که آموزگاران و دختران دانش آموز باید بدون حجاب در مدارس حاضر شوند. بدین ترتیب همه چیز برای اجرای قانون جدید آماده گردید. سفر شاه در خرداد ۱۳۱۴ به ترکیه و دیدن بانوان بدون حجاب آنجا رضاشاه را در انجام هرچه سریع‌تر خواسته‌اش مصمم‌تر کرد. لذا چند ماه پس از بازگشت از ترکیه در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ با شرکت خود، همسر و دختران بدون حجابش در جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشسرای عالی رسماً کشف حجاب را در ایران اعلام نمود<sup>(۱)</sup>.

از این تاریخ تا شهریور ۱۳۲۰ که حکومت رضاشاه با هجوم نیروهای متفق در جنگ جهانی دوم سقوط کرد، زنان ایران یکی از سیاه‌ترین ادوار تاریخ حیات خود را گذراندند. زیرا اکثر یا مجبور بودند بدون میلشان به صورت بی‌حجاب در مجامع عمومی ظاهر شوند و یا به زندانی بدون محکومیت در خانه‌های خود تن در دهند. علاوه بر موارد برشمرده‌ی فوق اقداماتی که مأموران دولتی برای اجرای قانون جدید نسبت به مردم کوچک و بازار رومی داشتند جنایاتی را مرتکب شدند و در تاریخ ایران به ثبت رساندند، که قلم از نگارش آن‌ها شرم دارد.

\*\*\*

سند زیر که گوشه‌ی ناچیزی از اقدامات مأموران دولتی را برای اجرای این قانون در نهادند منعکس می‌کند و در هفتم اسفند ماه ۱۳۱۴ یعنی کم‌تر از دو ماه از صدور قانون کشف حجاب نگاشته شده است، می‌تواند گویای واقعیات بسیاری از این فاجعه در نهادند و ایران باشد. آنچه در سند به درستی بر آن تأکید شده و قابل توجه است، بیش‌تر از خود

۱ - حکایت کشف حجاب، تحقیق و تدوین واحد تحقیقات مؤسسه‌ی قدر ولایت، ناشر مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳، ص ۲۳

قانون ، نحوه‌ی اجرای آن است که به تعبیر این سند «بدجوری اجرا می شود» و مأموران دولتی آن را وسیله‌ای برای اجرای نیات پست و هوس آلود خود نموده بودند . اینک متن سند :

### مقام منیع وزارت دربار و ارتش شاهنشاهی ارواحنا فدا

از رفع حجاب عموم اهالی نهاوند با روی بشاش استقبال نمودند و عیب بزرگی دارد که یک مشت رؤسای شهوت‌ران بی‌عاطفه به نام دعوت خصوصی به منازل شخص خودشان تصمیم قطعی دارند که اجرای مقاصد سوء خودشان را نسبت به ناموس اهالی بدبخت بنمایند . امر اقدس شاهنشاه و مقاصد دولت رفع حجاب است لاغیر ، ولی بدجوری اجرا می شود . دولت حافظ ناموس رعیت باید باشد . یقین است این اقدامات شهوت پرستی آقای حکومت و سایر رؤسای اداره‌جات بر خلاف نظر دولت است . آیا شخص اول ایران وجدانش اجازه می دهد که مأمورین دولت ، ناموس مردم را خراب کنند . اگر قصد بدی ندارند ، خود صنف لحاف دوز به اجبار چرا باید در منزل حاکم دعوت شوند . فقط از طرف دولت اعلان نمایند ، تا فلان تاریخ باید زن با چادر در کوچه دیده نشود . مردم اطاعت نموده و می نمایند . دیگر دعوت‌های خصوصی با تهدید و زور و نظریات بی‌عاطفه کی قدغنشان کردن به دهان جز قصد به دور ریختن آبرو [و] شرافت مردم چیزی است ، به نام نامی شاهنشاه . این عملیات مأمورین خائن لطماتی می زند . ناموس ملت ناموس دولت است . آب از سرگذشته است . خوب است ، دعوت زن‌های نجیب مردم را با اشخاص بدسابقه و شهوت پرست موقوف فرمایید .

یک نفر از ملت نهاوند

اداره

وزارتت و اطلاع

شماره پرونده ۱۴۰۰ وزارتت که اصل آن به شماره ۱۴۰۰ ثبت شد

ستاد محترم دادگستری در نظر داشته باشد که <sup>(در اینجا)</sup> نفع محبت تمام اهلان و عامه بسیار است و چنانچه در این باب  
 در این خصوص با اطلاع بنام دعوت خصوصی به منزل شخصی خودشان تقسیم نفرینند و اجراء مساعدیه و خودشان را نسبت  
 ناموس اهل بیست نایب در امر حق شایسته است. و متوجه است که نفع محبت است و غیره در این مورد اجراء میشود است  
 خاطر ناموس رعایت باید باشد. چنانچه این اقدامات نسبت به امر قاضی حکومت و سایر رؤسا و اولاد است و نفوذ از این جهت  
 آری شخص اولی از این دعوتش اجازه نگیرد مگر با تعیین دولت ناموس مردم را خوب کنند اگر قصد هر چند خود  
 ضعیف است و با جبر و اجبار در منزل عالم دعوت کردند فقط از طرف دولت امداد نیندازند تا تمدن تاریخ بایم چون بهار  
 در کربه دیده نشود مردم احاطت کرده و میمانند دیگر دعوت ناموس خصوصی با تهیه آذوقه و نظرات به خاطر که در حق  
 کوفه برمانی بفرستند بر درختش کرده و شرف مردم جز است بنام نافرمانی. این حمایت <sup>(و همچنین)</sup> ناموس قاضی اهل بیست  
 ناموس ناموس است است آب از هر گوشه است خوب است دعوت زنی ناموس مردم را با ناموس مردم است  
 دعوت است موقوفه زنی یک نفر از است نمادند

محرر مانده